

سه شنبه ۲۶ جون ۲۰۱۸

حامد نوید

## من به موجودیت وطنم و همه نامهای تاریخی آن افتخار دارم

بدیهیست که درنشیب و فراز زمانه ها میهن عزیز ما، افغانستان کنونی، مانند بسی کشورهای دیگر نامهای قدیمی تری داشته که این نامها مربوط دوره های پیشین تاریخ است. ترکیه زمانی بنام اناتولیه یاد میشد، ایتالیا بنام روم ، فرانسه گال، ایران فارس و هند سرزمین بهارت ،بهمین گونه افغانستان نیز در ادوار کهن به نامهای آریانا، خراسان یاد میگردد که همه برای من و همه کسانی که به تاریخ شکوهمند افغانستان اهمیت میدهند گرامی و ارزشمند است. البته نباید فراموش کرد این که خطه های باستانی به مثابه کشور های امروزی با سرحدات معین سیاسی نبوده، بلکه درجهان امروز خطه های تاریخی مانند خراسان، سیستان و ماورا النهر در داخل ساحه خاک چندین کشور قرار دارند.

امروز نام افغانستان در میان کشور های جهان در سازمان جهانی ملل متحد با حاکمیت ملی و تمامیت ارضی آن منعیث یک مملکت آزاد و مستقل ثبت است.

متأسفانه چندیست که عده ای بجای توجه به مسایل بنیادی کشور درگیر جبهه گیری های بی ثمر کشور سمتی و قومی استند و حتی بالای نام میهن خود اعتراض دارند. اکنون که فقر، مرض، بیکاری، و نفاق دامنگیر ملت شریف افغانستان میباشد، و همه روزه صدها سرباز جوان افغان در راه حفظ امن عامه و استقرار صلح جان های شیرین شانرا از دست میدهند، و بسی بیگانه دیگر قربانی حملات ظالمانه دهشت افکن میگردند، فکر نمیکنم که تغییر نام بهبودی را در حال ملت رنج کشیده افغانستان بیار آورد، بجز اینکه بر بی ثباتی و هرج مرج سیاسی بیافزاید. وطن ما به کار مداوم، مثبت اندیشی و عدالت اجتماعی نیاز دارد، نه به مسایلی که ما را از مسیر صلح، پیشرفت و تعالی وطن بدور نگهدارد.

برای من افغانستان و تمام نامهای تاریخی آن گرامیست و روی این اصل این غزل را که سالها پیش به اقتضای شعر معروف شادروان حاجی محمد سرور دهقان "بتخانه نشین استم از کعبه سخن دارم حیف است مسلمان را زین کیش که من دارم " سروده بودم تقدیم ادب دوستان مینمایم:

### ریشه

چون سرو سرافرازم شادم که وطن دارم	تا ریشه ای در خاکم آن مرز کهن دارم
میخوانم و میگویم تا جان به بدن دارم	با یاد وطن هر شب صد نغمه مرا بر لب
هر رنگ نهی نامش ملکیت که من دارم	گر کشور افغانش یا مهد خراسانش
این جامه گلگون را ز آنروز به تن دارم	تا موج شقایق را با تیغ جفا بستند
در مجمر سوزانم آتش به دهن دارم	چون شمع به هر محفل هر چند خموشم من

با غیر نمی گویم از حال دل زارم  
از درد نه پرهیزم و ز معرکه نگریزم  
دهقان اگرش از عشق در مزرعه میهن  
لیکن من حیران بین کاندلر قفس هجران  
با شعر تر دری تا وصف وطن گویم  
تا ریشه ای در خاکم آن مرز کهن دارم  
ای هموطنم باتو من روی سخن دارم  
سیلابم و غوغایی در دشت و دمن دارم  
میخواند سرودی را "کز سبزه کفن دارم"  
از دور نواخوانی بریاد چمن دارم  
مُشکی ز تخارستان خوشتر ز ختن دارم  
چون سرو سر افرازم شادم که وطن دارم

حامد نوید

به مناسبت بزرگداشت از مقام ادبی حاجی محمد سرور دهقان

۲۰۱۲ ایالت ویرجینیا